وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۳۸ | چهارشنبه ۱۰ حوت ۱۳۸۳ | ۳۰ محرم الحرام ۱۴۲۵ — | 29 February 2005

دست های شیطانی و حمله به اماکن مقدسه ص۲

چرا در عراق مکتب ها را به آتش نمی کشند؟ ص۶

نظری به وضعیت نا به سامان جوانان کشور ص۷

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت در همایش گرامی داشت از حماسهٔ سوم حوت:

ما در برابر یک تهاجم فرهنگی ظالمانه قرار داریم



نباید به خاطر اشتباه یک عده افراد، تمام کسانی را که وجیبهٔ دینی و ملی شان را در راه دفاع از آزادی و استقلال انجام داده اند مقصر بدانیم

***

ما هیچ گاهی طرفدار ظلم نبوده ایم بلکه همواره در پی تطبیق عدالت بودیم و هستیم و در این راه از مخالفت هیچ گروهی، دولتی و فردی هراس نداریم ص۳

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان

در پیوند به حادثهٔ تخریبگرانه در مرقد امام حسن عسکری

در این روز ها که امت اسلامی در سراسر جهان اسلام و سایر نقاط جهان، با اتخاذ مواضع دلیرانه و غیورانهٔ خویش در برابر نشر کاریکاتورهای اهانت آمیز نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در روزنامه ها و جراید برخی از کشورهای اروپایی، انزجار و نفرت عمیق خویش را به نمایش می گذارد، خبر درد انگیز حادثهٔ تخریبگرانه به مرقد امام حسن عسکری"ع" در جهان اسلام به گوش ها می رسد، خبری که از شنیدنش مو بر اندام فرد فرد امت اسلامی اعم از شیعه و سنی و دوستداران اهل بیت برخاسته و عاملان آن را نفرین و محکوم می کند.

جمعیت اسلامی افغانستان همزمان با این که انزجار و نفرین عمیق خویش را در ارتباط به چنین عمل ضد اسلامی و انسانی، ابراز می دارد به این باور است که دشمنان اسلام در این دورانی که آماج خشم و نفرین امت اسلامی قرار گرفته اند به خاطر جلوگیری از نفرین و انزجار روز افزون امت اسلامی و تحت الشعاع قرار دادن حادثهٔ نشر کاریکاتورها و کمرنگ جلوه دادن محکومیت خویش در افکار عامهٔ جهان که دموکراسی دوچهره ص۵

قیام سوم حوت مردم شهر کابل گرامی داشته شد

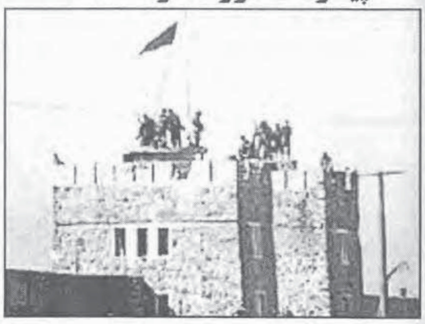


سوم حوت یکی از روزهای خونین وحماسه ساز در تاریخ معاصر کشور ماست. در این روز شهریان مؤمن کابل با پایمردی و ایمان کامل در برابر کمونیست ها و متجاوزان قیام کردند و نفرین خود را در برابر آنها ابراز داشتند.

در همایشی که بدین مناسبت در سالن کابل نینداری برگزار گردیده بود، شماری از رهبران جهادی ، اراکین دولتی و بازماندگان شهدای سوم حوت گردهم آمده بودند. استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان در این همایش سخنانی مبسوط ایراد فرمودند که متن کامل آن را در همین شماره می خوانید. همچنان انجینیر احمدشاه احمدزی، قدریه ابراهیم یزدان پرست، امام الدین غوری و شماری دیگر از شخصیت های جهادی نیز سخنرانی نمودند .

آقای احمد زی به پیامدهای جهاد و مقاومت اشاره نمود و گفت: جهاد و مقاومت مردم افغانستان توانست امپراتوری بزرگ روس را شکست بدهد. ص۷

در گفتگو با زندانیان پلچرخی پیشرفت صورت گرفته است



زندانیان بازداشتگاه پلچرخی سرانجام پس از دو روز شورش، اجساد و مجروحان خود را به نیروهای دولتی تحویل داده اند.

ژنرال عبدالسلام بخشی، رئیس زندان های افغانستان به بی بی سی گفت که مجروحان در حال حاضر به یک بیمارستان منتقل شده اند و در وضعیت خوب صحی قرار دارند.

او گفت: بیشتر این افراد زمانی که تلاش داشتند از زندان فرار کنند، زخمی شده اند ولی او در این مورد که آیا این افراد هدف گلولهٔ نیروهای امنیتی قرار گرفته اند، ابراز نظر مشخصی نکرد.

ژنرال بخشی گفت: "اگر زندانیان بخواهند از زندان فرار کنند، نیروهای امنیتی این اجازه را دارند که دست به اسلحه ببرند."

زندانیان شورشی پیش از این از تحویل دهی اجساد و مجروحان به نیروهای دولتی خودداری کرده بودند ولی به نظر می رسد توافق آنها به تحویل دهی مجروحان، در پی مذاکرات مقامات افغان با نمایندگان این زندانیان صورت گرفته است.

صبغت الله مجددی، رئیس مجلس سنا ص۷

شوراهای ولایتی خواهان ازدیاد معاشات خویش شدند

به روز سه شنبه ۹ دلو سال جاری رئیس جمهوری افغانستان با اعضای شوراهای ولایتی در قصر سلام خانهٔ ریاست جمهوری دیدار نمود. در این دیدار تعدادی از اعضای شوراهای ولایتی به نمایندگی از دیگران سخنرانی کرده پیشنهاد نمودند که لایحهٔ طرزالعمل داخلی تا هنوز تکمیل نگردیده است بناءً مسودهٔ این طرز العمل در شوراهای ولایتی باید مورد بررسی قرار گیرد تا یک ماه آینده در جلسهٔ رؤسای شوراهای ولایتی با مشورهٔ حقوق دانان کشور نهایی و توشیح گردد.

همچنان آنان پیشنهاد نمودند تا در مورد امتیازات مالی و تدابیر امنیتی شان تصامیم اتخاذ گردد.

رئیس جمهور حامد کرزی پس از شنیدن پیشنهادات آنان به سخنرانی مفصل پرداخت و در رابطه به پیشنهادات، امتیازات مالی و تدابیر امنیتی آنان گفت که در این رابطه بعداً با وزارت های مربوط تصمیم اتخاذ می گردد.

رئیس جمهور افزود: هرگاه کشورها برای آیندهٔ شان سرمایه گذاری نکنند ترقی نخواهند کرد. لذا اولین سرمایه گذاری برای آیندهٔ بهتر کشور توجه به تعلیم و تربیه می باشد که وظیفهٔ هر یک ما و شماست تا در این راستا مسؤولیت خویش را انجام دهیم.

گفتنی است که اعضای شوراهای ولایتی غرض اشتراک در سیمیناری سه روزه که به منظور ارتقای آگاهی آنان از وظایف شان برگزار شده به کابل آمده اند.

آدرس مجاهد در اینترنت
Website: www.mujahid 1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo.com

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

دست های شیطانی و حمله به اماکن مقدسه

راوی

تفرقه افگنی میان مسلمانان از سیاست های قدیم آنانی است که قصد سیطره بر جهان اسلام را داشته اند. اگر ما به تاریخ جهان بخصوص پس از جنگ جهانی اول نظر اندازیم به خوبی در می یابیم که چگونه دست های شیطانی استعمارگران با ایجاد تفرقه، جهان اسلام را به کشور های متعدد تقسیم کردند و سپس آنها را میان خود تقسیم نمودند.

خلافت عثمانی، با وجود ضعف رهبریی که در اواخرعمر با آن مواجه بود، سد محکمی در برابر تلاش های استعمارگران برای دستیابی به جهان اسلام به شمار می آمد که با دسایس انگلیس سرانجام از پای درافتاد و به این ترتیب هر بخش از دنیای اسلام را کشوری از اروپا تصاحب نمود.

کشور های مصنوعی به میان آمد و مرز های جدیدی به روی نقشهٔ جهان اسلام کشیده شد. مرزهایی که در حقیقت حوزه های منافع کشور های استعمارگر را از هم جدا می کرد تا خود این قدرت ها با هم درگیر جنگ نشوند.

غربی ها در حقیقت جنگ مذهبی را در پردهٔ منافع اقتصادی (استعمار) به راه انداختند که ادامهٔ همان جنگ های صلیبی بود اما برای این که احساسات مذهبی مسلمانان را تحریک نکنند، با ظاهری سیکولر و عدم مداخله در امور مذهبی به جهان اسلام آمدند اما این فقط ظاهر کار بود. پس از فتح فلسطین، (لرد النبی) فرمانده این جنگ به سپاهیان خود گفت که امروز سلسلهٔ جنگ های صلیبی به پایان رسید. فلسطین بعدا به یهودیان سپرده شد.

استعمارگران همیشه از وحدت مسلمانان در هراس بوده اند؛ زیرا آنها می دانند که چه نیرویی در این وحدت نهفته است. کهنه استعمار انگلیس که در رابطه با جهان اسلام تجربهٔ بسیار دارد، در هنگام حضور استعماری اش در هندوستان، با مقاومت شدید مسلمانان مواجه بود. انگلیس ها که بیشترین صدمه را از مسلمانان دیده بودند، حتی در هنگام خروج از هند سعی کردند تا از مسلمانان انتقام بگیرند. کشمیر را به دو نیمه تقسیم کردند تا میان هند و کشور جدید التأسیس پاکستان هرگز صلح به میان نیاید و مردم کشمیر روی آرامش را نبینند.

افغان ها که در سه جنگ با انگلیس ها سرمشقی برای کشور های تحت استعمار بودند، آماج انتقام قرار گرفتند و بخشی از کشور خود را از دست دادند. پشتون ها که در مبارزه علیه استعمار انگلیس در هند بریتانوی بیشترین قربانی ها را داده بودند به دو قسمت تقسیم شده باقی ماندند و دیورند همچنان به عنوان دیوار جدایی میان شان قامت برافراشته باقی ماند.

تفرقه افگنی بخش بزرگی از کارنامهٔ سیاه استعمار در جهان اسلام است و بنا بر این لازم است تا مسلمانان در این رابطه بیدار باشند.

امت اسلامی در برابر کارتون های

تفرقه افگنی میان مسلمانان از سیاست های قدیم آنانی است که قصد سیطره بر جهان اسلام را داشته اند

موهن به پیامبر بزرگ اسلام عکس العمل متحد نشان داد. مسلمانان در سراسر جهان همصدا و همدست این عمل شنیع را محکوم کردند. در مواردی این تظاهرات به خشونت گرایید و به کشته و مجروح شدن عده یی منجر شد. مسلمانان خرید محصولات دنمارکی را تحریم کردند.

این وحدت و یک پارچگی باعث نگرانی دشمنان اسلام بود و باید با این وحدت ویک پارچگی مقابله می شد. باید مسألهٔ توهین به پیامبر بزرگ اسلام تحت الشعاع یک مسألهٔ جدید قرار می گرفت. همان بود که واقعهٔ دردناک حمله به مرقد امامین همامین در شهر سامرا پیش آمد. کسانی که دست به این حمله زدند

اهل بیت پیامبر اکرم به مذهب خاصی مربوط نیست. شیعه و سنی هردو به این بزرگان احترام دارند

می خواستند نشان دهند که جهان اسلام هرگز یک دست نیست.

رهبران مذهبی شیعه وسنی در عراق که تا آن زمان سعی کرده بودند از درگیری های مذهبی میان شیعه و سنی جلو بگیرند در برابر این واقعه از کنترل وضع عاجز آمدند. دولت عراق هم تلاشی در جلوگیری از گسترش خشونت ها به عمل نیاورد و در نتیجه ده ها مسجد اهل سنت به آتش کشیده شد. سلسلهٔ این درگیری ها به مناطق دیگر سرایت کرد که ده ها نفر را در کام مرگ فرو برد.

رسانه های گروهی در غرب نیز سعی دارند به این ماجرا دامن بزنند. قبل از واقعهٔ حمله به این مکان مقدس، روزنامهٔ نیویارک تایمز نوشت ، عرب هایی که از خارج عراق برای جنگ به عراق می آیند، قصد اولی شان جنگ با نیروهای امریکایی نیست بلکه آنها به این دلیل به عراق می آیند تا دربرابر به قدرت رسیدن اهل تشیع در عراق عکس العمل نشان دهند. به عبارهٔ دیگر آنها برای شیعه کشی به عراق می آیند.

هرچند هدف اصلی از این گونه تبلیغات تجرید گروه هایی است که برای جنگ به عراق می آیند و دولت و نیروهای خارجی می خواهند مردم عراق با گروه های جنگجو همکاری نکنند اما این نوع تبلیغات ناروا موجب بی اعتمادی میان مردم عراق می شود بدون این که به تأمین صلح و امنیت در این کشور کمکی کرده باشد.

بعد از انتخابات در عراق اینک مردم این کشور تمایل شدید تری از خود نشان می دهند که نیروهای خارجی از کشور شان خارج گردد و مردم عراق سرنوشت خود را خود به دست بگیرند. یک جنگ داخلی می تواند این گرایش ها را تحت الشعاع قرار دهد و بهانه یی برای بقای طویل المدت این نیروها در عراق را مهیا سازد.

اهل بیت پیامبر اکرم به مذهب خاصی مربوط نیست. شیعه و سنی هردو به این بزرگان احترام دارند. شیخ طنطاوی شیخ الازهر ضمن تقبیح حمله به مرقد امامین این کار را دشمنی با اسلام دانست. رهبران مذهبی در ایران نیز این عمل را کار صهیونیست ها دانستند. پس مسلمانان باید در برابر این دسایس بیدار باشند.

اگر در عراق این جریان واقعا به یک جنگ داخلی بینجامد می توان گفت که دشمنان اسلام به اهداف شان رسیده اند.

د ترهګرو د ځپولو لپاره دې نړيوالې هڅې ګړندۍ شي

عباسي

د حوت پر 3 مه د عراق په سامرا ښارکې د پيغمبر اکرم د ځوځات د دووتنو امامانو هر يو امام هادی او امام عسکری رحمی الله عليهما په زيارت کې چاودنه وشوه چې د ټولو اديانو لارويانو دا چاودنه وغندله.

د سپيڅليو شخصيتونو او ځايونو د حرمت ساتنه پر اسلامی لارښودنو سربېره د بشر د حقوقو په نړيواله اعلاميه کې هم تثبيت شوي دي؛ نو ځکه هغوی چې له دې ديني او انساني معيارونو څخه سرغړوی، دوی د دين او بشری حقوقو دواړو په نزد ملامت دي. او دې چاودنې وښودله چې د نړيوال امن دښمنان چې د هر دين او مسلك دلاروی ادعا کوي، د ټولو ماهيت يو شانته دی او د اوسنئ زماني د کوچنيو شيطانانو انځورونه دي، هغه شيطان چې خدای رټلی؛ نو ځکه ټولو نړيوالو د خدای د حکم له مخې د شيطانانو دا ناوړه عمل په ټينګه وغنده.

څه موده مخکې د دنمارکي ورځپاڼې غير انساني خپرونه، د سامرا د ښار اوسنی چاودنه، په هلمند کې د ښوونځي سوځول چې د قرآن کريم ډير ټوکونه هم په کې وسوځيدل او هم د قندوز په ښار کې چاودنه چې ښاريانو د خدا د روزی تر لاسه کولو لپاره پر فعاليت بوخت وو، دا ټول د بشري نا امنی يوه لړۍ ده او راښيي چې ترهګر ټول د يوې لارې لارويان او د انسانانو د سوکالی ، امنيت، ودې، پراختيا او بشری ورورولی دښمنان دي.

په هېواد کې چې د نظام ستنې ټينګې شوې، او ولسی جرګه جوړه شوه، نو د بشری سوکالی او امن سيمه ييز او نړيوال دښمنانو د ځانمرګی بريدونو له لاری (چې د استحمار يو ډول دی)، د ښوونځيو سوځولو، عام ګټو وسايلوته زيان اړونه او پر قطاع الطريقی لاس پوری کړی دی.

دغسې په عراق کې هم چې پارلمان جوړ شوي او سياستوال يې پر سلا مشوره وو چې د ملي يووالی پر بنسټ حکومت جوړ کړي؛ نو ترهګرو د دې انساني او ملی عمليې د شنډولو لپاره په سامرا کې چاودنه وکړه؛ نو وګورئ چې څنګه ترهګر د افغانستان او عراق د ولسونو د نا امنی او بې ثباتی لپاره همغږی چاری ترسره کوي؟

ترهګر خو په افغانستان کې بشپړ مات شوی او د ځانمرګيو بريدونو کومه لړی چې پيل شوی؛ نو دا خو د بهرنی لاسوهنې يو ډول دی، چې ځوانان په ځانګړو روزنځايو کې استحماروي چې له نيکه مرغه په هېواد کې په دې اړه لازمې برنامې سنجول شوي دي، هغوی چې په ناخبری کې د پرديو لاسپوځي شوی او يا د ځينو لاملونو له مخې د دولت مخالفين دي؛ نو د مشرانو جرګی رئيس حضرت مجددی په مشری، چې د دوی د جلب او بلنی کوم کميسيون جوړ شوی، تر يوه حده يې لاسته راوړنې لری دي؛ خو بايد دا عمليه ګړندی شي او هم د کميسيون د چارو نيمګړنی له منځه لاړی شي، ځکه د خبرونو له مخې د کميسيون مالي لګښت زيات دي؛ نو ثمره يې هومره نه ده. په بهرنی اړخ کې ولسمشر د ترهګرو دملاتړ يا د ترهګرو په نامه د لاسوهنو د سيمه ييزو ملاتړو په مقابل تهاجمی سياست اعلان کړ، چې دا په ملت کې د نوی ملی خوځښت د پيدايښت لپاره يو ډول ساوه، چې پو شوه او هم د نړيوالو دوستانو ملاتړ راښيي چې تر بشپړ ثبات راوستو پوری د افغانستان په تنګه يو.

دغسې د عراق دينی او سياسی مشرانو د سامرا په چاودنې پسې سمدستی خپل ولس زغم او سياسی ځيرکی راوباله، او ترهګرو چې غوښتل د عراقيانو ترمنځ خپلمنځی جګړه پيل شي؛ دا توطئه يې شنډه کړه.

د افغانستان ولس عالمانو، تنظيمونو او دولت د سامرا چاودنه وغندله او "جمعيت اسلامی افغانستان" چې د ترهګری پر ضد مبارزی سيمه ييز مخکښ دی، په خپل وار سره دا چاودنه غندي او عراقی ولس ته د سياسی زغم او با ثباته نظام جوړونې هيله من دی.

فساد او بغاوت

جاهد

چې په يو هيواد کی اداری فساد عام شی نو د دغی ناوړی اجتماعی ناروغی اثرات د وګړو د ژوندانه په ټولو اړخونو کی محسوس کيږی. دا اجتماعی ناروغی په افغانستان کی داسی يوکچی ته لوړ شوی ده چی په دنيا کی ساری ونلری.

دولت د اداری فساد په مبارزه کی ځان متعهد ګڼی خو د دی تعهد اثرات په ټولنه کی محسوس ندی. په هر دفتر او ځانګه کی چی لاړ شی؛ بی له پيسو نه کار نه کيږی او مامورين د معاش د کموالی په بده اخيستلو کی خپل مجبوريت بولی.

فساد اوس امنيت لپاره په يو مهم چيلنج بدل شوی ده. د دی ناوړه کار اغيزه اوس داسی يو رسوائی رامنځ ته کړی ده چی په بين المللی سطحه د کرزی حکومت تر پوښتنی لاندی راوستلی شی. د څرخی پله په جيل کی بنديانو په بغاوت لاس پوری کړی ده او امنيتی چارواکی تر اوسه چی زه دا کرښی کاږم، د حالات په قابو کولو کی پاتی راغلی دی. ويل کيږی چی تر اوسه پوری ځينی بنديان وژل شوی دی او ځينو نور ټپيان دی.

دا پيښه څنګه رامنځ ته شو؟ امنيتی چارواکی طالبان په دی اقدام پړ بولی او وائی چی هغوی د بنديانو لپاره د متحد الشکل يونيفورم له منلو څخه ډډه وکړه او بغاوت پيل شو. وروسته بنديان نوری غوښتنی وړاندی کړی.

د متحد الشکل جامی يا يونيفورم په باره ويل کيږی چی پخوا ځينو بنديانو د دی جيل څخه ځکه په تيښته بريالی شوی وه چی کله د بنديانو خپلوان د دوی ليدو لپاره راغلی وه نو د بنديانو لپاره د خاص يونيفورم د نه موجوديت له کبله، بنديانو خپل پای وازانو سره يو ځای له جيل نه وتلی وو. نو د يونيفورم موجوديت يو لازمی مسئله ده.

مشکل دا دی چی طالبانو په افغانستان کی حاکميت درلودل، هغوی هم هڅه وکړه تر څو خپل پوليس او فوج دی ته وهڅوی چی له خاص يونيفورم څخه استفاده وکړی خو دا ځکه عملی نشو چی د دوی پوليس او عسکر د يونيفورم اغوستل ځان ته سپکاوی باله. اوس هم کيدای شی د يونيفورم په سر لانجه د همدی احساس زيږنده وی.

۷مخ

ما در برابر یک تهاجم فرهنگی ظالمانه ...

الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین

امروز ما به گرامیداشت از یاد شهدای سوم حوت گردهم آمده ایم. بدون شک این روز، از پر افتخارترین روزها در تاریخ کشورمان به حساب می آید. در این روز خواهران و برادران مسلمان ما با فریاد الهام بخش الله اکبر در تاریخ پر افتخار ملت ما روح جدیدی را دمیدند، ما باید آن را گرامی بداریم چنانچه خداوند متعال در قرآن عظیم الشأن فرموده است: **(ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتاً)** "کسانی را که در راه خداوند جان داده اند مرده مخوانید".

بدون شک همهٔ افتخارات بزرگ جهادی و تاریخی ملت افغانستان مرهون قیام خونین مسلمانان این کشور است که در راه سرکوبی ستمگران و جباران و دفاع از ارزش های دینی و ملی شان جان های شیرین خویش را نثار کردند. ما نباید آن را به سادگی فراموش کنیم بلکه باید آن را به نسل های بعدی نیز

در این جا دست هایی وجود دارند که می خواهند همهٔ ارزش هایی را که محصول خون میلیون ها شهید و معلول این سرزمین است، یکسره زیر سوال قرار بدهند. افتخارات ما را به عنوان جنایات، خطاها و اشتباهات جبران ناپذیر تلقی کنند

انتقال دهیم ولی متأسفانه امروز این ارزش ها درمیان ما آهسته آهسته رنگ می بازد و نزدیک است که ما آن را از دست بدهیم. چون ما در برابر یک تهاجم فرهنگی ظالمانه و بی رحمانه یی قرار داریم که همهٔ ارزش ها و دست آوردهای دینی و ملی مان را - که روزی لقب معجزهٔ قرن را از آن خود کرده بود - به چالش گرفته است.

همین اکنون برخی ها بسیاری از کارنامه های با ارزش در تاریخ این کشور را با تعبیرهای گمراه کننده به خورد مطبوعات می دهند و قهرمانان ملی این کشور را به نام های جنگ سالار، تفنگ سالار و... یاد می کنند. این خود بیانگر آن است که آنها می خواهند به اشکال گونه گون تمام ارزش های دینی، ملی و فرهنگی این کشور را مورد هجوم قرار دهند.

امروز جامعهٔ بین المللی به خاطر همکاری در کشور ما حضور دارد و کسانی که ارزش های دینی، ملی و فرهنگی مان را به چالش می گیرند می خواهند مهر تأیید جامعهٔ بین المللی را برکارکردهای خویش بگذارند که بدون شک تأیید چنین کاری به صورت مطلق از سوی جامعهٔ بین المللی که حیثیت شهیدان جهاد و مقاومت افغانستان را خدشه دار سازد، همکاری صادقانه نخواهد بود.

شکی نیست که ما هم مرتکب اشتباهاتی شده ایم ولی شما در کجای دنیا سراغ دارید که پس از پیروزی انقلابی مسلح، مانند انقلاب علیه تهاجم شوروی، زمامداران آن مرتکب اشتباهی نگردیده باشند؟ بگذریم از تاریخ کشورهای شرقی، به پیشینهٔ کشورهای غربی نظر بیفگنیم می بینیم که انقلاب فرانسه بزرگ ترین انقلاب و مادر انقلاب ارزش های انسانی در تاریخ کشورهای غربی تلقی می گردد. پس از این انقلاب حدود بیشتر از ده هزار نفر از سوی کسانی که در آن نقش داشتند، سر بریده شدند! اگر چند در این مدت زمان شعارهای آزادی و مساوات بسیار زمزمه می شد ولی هیچ کسی آن ها را به نام جنگ سالار و تفنگ سالار و ناقض حقوق بشر یاد نکرد.

به هر حال، در تحولات پس از پیروزی مجاهدین در افغانستان کشورهای همسایه و جامعهٔ جهانی نیز بی دخل نبودند چنانچه گروهی که بر ضد نیروهای مجاهدین می جنگیدند بسیار منظم و مجهز با سلاح های پیشرفته بودند و همین گونه به زبان های عربی، اردو و انگلیسی در مخابره صحبت می کردند. بناءً این خود به گونه یی آشکار می رساند که درکشور ما تجاوز صورت گرفته بود. علی رغم چنان رویدادی بازهم جامعهٔ جهانی این جنگ را، جنگ داخلی می خواندند و همواره می گفتند که افغانستان در یک جنگ داخلی به سر می برد. پس چرا آن هایی را که دیروز با ما درگیر جنگ بودند آنها را تروریزم می خوانند و تمام جهان درمبارزه علیه آنها (تروریزم) بسیج شده است؟ چرا در همان آغاز تجاوز بر افغانستان آنها را تروریزم نمی گفتند؟

بر عکس، همان گونه که مبارزهٔ آزادی خواهانهٔ دولت اسلامی را در زمان جهاد و مقاومت جنگ داخلی می خواندند امروز نیز می خواهند مجاهدین را مسؤول همه اشتباهات بدانند! البته فرماندهان و مجاهدان درگیر جنگ با تجاوزگران، فرشته نبودند حتماً اشتباهاتی از آنها صورت گرفته است اما سوال در این جاست زمانی که مسألهٔ نقض حقوق بشر به میان می آید چرا بسیاری از کسانی که در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار دارند، از فرماندهان زمان جهاد و مقاومت می باشند؟ آیا این قضاوت عادلانه است؟!

یقیناً در این جا دست هایی وجود دارند که می خواهند همهٔ ارزش هایی را که محصول خون میلیون ها شهید و معلول این سرزمین است، یکسره زیر سوال قرار بدهند. افتخارات ما را به عنوان جنایات، خطاها و اشتباهات جبران ناپذیر تلقی کنند.

تردیدی نیست در دنیای کنونی زورمندان همه چیز را تحت تسلط خویش دارند و هر زمانی که دل شان بخواهد هر چیزی را به خورد مطبوعات می دهند و از آن دفاع نیز می کنند؛ چنانچه در این اواخر همه شاهد آن بودیم که به پیامبر گرامی ما با نشر کاریکاتورها توهین کردند. یقیناً برای انجام چنین کاری پیش از پیش برنامه ریزی صورت گرفته است و همان گونه که برضد مجاهدین در زمان جهاد و مقاومت توطئه می چیدند امروز نیز به معتقدات آنها و تمام جهانیان زیر عنوان دموکراسی و آزادی بیان توهین صورت می گیرد.

مسلمانان نسبت به دیگران به آزادی بیان ارج می گزارند چون اولین معجزهٔ دین اسلام، کلمه و بیان است که به تمام بشریت به ارمغان آورده است ولی آزادی بیان با توهین به معتقدات انسان ها فرق دارد.

چرا در این روزها، فیلسوف بریتانیایی دیوید ابرئگین به خاطر نوشتن نظریه اش به عدم اثبات قضیهٔ هلوکوست پس از پانزده سال محاکمه می شود؟ این مؤرخ در سال ۱۹۸۹ طی کنفرانس های متعددی گفته بود که قضیهٔ هلوکوست (یعنی قتل عام مردم از سوی هتلر و از این قبیل مسائل) اسناد تاریخی ندارد بناءً او به گناه همین نظریه اش در اتریش محکوم به سه سال حبس می گردد.

همین گونه مردم الجزایر در انتخابات به یکی از احزاب مورد نظرشان رأی دادند به همین خاطر کشورهای مداخله گر در الجزایر به قتل عام مردم آن اقدام کردند چرا در آنجا دموکراسی تطبیق نمی شود؟

بناءً پیام من به جهانیان و ملت افغانستان به ویژه به نسل جوان این است که بر اساس فرمودهٔ خداوند متعال: (لاتظلمون و لاتظلمون) نه ظالم هستیم و نه ظلم را می پذیریم. ما هیچ گاهی طرفدار ظلم نبوده ایم بلکه همواره در پی تطبیق عدالت بوده ایم و هستیم و در این راه از مخالفت هیچ گروهی، دولتی و فردی هراس نداریم؛ چون ما به خداوند متعال باور داریم که در قرآن کریم فرماید: **(ولایجرمنکم شنئآن قوم علی أن لاتعدلوا إعدلوا هو أقرب للتقوی)** شما را مخالفت هیچ قومی وادار نسازد تا عدالت ننمایید بلکه عدالت کنید که همین عدالت مبنای تقواست.

بر همین اساس، امروز در دنیا بر مفاهیمی مانند حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان و...

در راه دفاع از آزادی و استقلال و ارزش های دینی و ملی قیام هایی فراموش ناشدنی مانند قیام ۳ و ۲۴ حوت صورت گرفته است که ما باید آن را همیشه گرامی بداریم و فراموش نکنیم

بسیار زیاد تأکید می گردد دین اسلام آن ها را از همه اول تر به جهانیان به ارمغان آورده است. درست است که ما از لحاظ اقتصادی و تکنولوژی عقب مانده ایم اما در بخش فرهنگ ما عقب مانده نیستیم. ما دارای فرهنگ والایی هستیم که در دنیا نظیرش نیست و دیگران از آوردن آن عاجز بودند و هستند و خواهند بود. به گونهٔ مثال امروز بسیاری از دانشمندان، مسائل پلورالیزم دینی و سیاسی را مطرح می کنند ولی در قرآن کریم این مسأله به صراحت ذکر شده است: (فمن شآء فلیؤمن و من شآء فلیکفر) "هر کسی که می خواهد مؤمن باشد مسلمان شود و هر که می خواهد مؤمن نباشد کافر شود". همچنان در جای دیگری خداوند متعال به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: **(أفأنت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین)** "آیا ای پیامبر! تو می خواهی مردم به زور مسلمان شوند". بناءً خداوند به انسان اختیار داده است که یا مسلمان شود و یا کافر.

برخورد حضرت عمر رضی الله عنه با خادمش در این زمینه بهترین مثال است چنانچه آن حضرت خادم خویش را به سوی اسلام دعوت می کند و او مسلمان نمی شود اما زمانی که او زخمی می شود، خادم خویش را می خواهد و می گوید که از این جا برو تا مبادا اصحاب، ترا به زور به مسلمان شدن وادار سازند.

اما اگر مسألهٔ ارتداد درمیان بیاید در این صورت در بسیاری از کشورها به هیچ کسی اجازه نمی دهند که از قانون اساسی شان جزوی ترین تخطی کنند و حتی بسا از کشورها به خاطر منافع ملی شان بسیاری از ارزش های دینی شان را نادیده می انگارند بناءً اگر کسی مسلمان شود و بعداً کافر شود و منافع ملی و امنیت داخلی مسلمانان را به خطر اندازد واجب القتل است از همین رو بسیاری از فقها ارتداد را یک جرم سیاسی می انگارند نه اعتقادی چون مرتد مردم را نسبت به اسلام مشکوک می سازد که در این صورت شیرازهٔ نظام از هم می پاشد.

همچنان اگر مسألهٔ حقوق بشر را در جایی سراغ کنیم بهترین مثال آن را در دین اسلام داریم و احترام به حقوق بشری جزء اساسی دینی ما مسلمانان است: **(ولقد کرمنا بنی آدم)** پس اگر ما به کرامت و حقوق انسان ها متعقد نباشیم، العیاذ بالله به دین و کتاب خداوندی چگونه معتقد باشیم؟ در حالی که خداوند انسان را خلیفهٔ خود در روی زمین قرار داده است، لهذا یگانه کسی که پس از خداوند متعال دارای جایگاه بلند و مرتبت عالی است انسان است.

همین گونه مسألهٔ حقوق زن از جمله قضایایی است که در این جا مجال آن نیست که در پیرامون آن بحث گردد تنها به بیان فرمودهٔ پیامبر صلی الله علیه اکتفا می کنم که آن حضرت هنگام رحلت شان فرمودند: **(أوصیکم بالنساء)** "در قسمت زنان به شما توصیه می کنم" حقوق زنان را در نظر داشته باشید. امیدوارم که در مورد چنین مسائل خردمندانه و هوشیارانه قضاوت نماییم.

لازم به یاد آوری است که اعتراف مجاهدین به اشتباهات شان به معنای این نیست که تمام ارزش های مربوط به جهاد و مقاومت را به چالش بگیریم و نادیده انگاریم بلکه ما باید به قوت از این ارزش ها دفاع کنیم و کوشش کنیم که آن را به نسل بعدی منتقل سازیم. ما نباید به خاطر اشتباه یک عده افراد، تمام کسانی را که وجیبهٔ دینی و ملی شان را در راه دفاع از آزادی و استقلال انجام داده اند مقصر بدانیم.

نباید فراموش کنیم که در راه دفاع از آزادی و استقلال و ارزش های دینی و ملی قیام هایی فراموش ناشدنی مانند قیام ۳ و ۲۴ حوت صورت گرفته است که ما باید آن را همیشه گرامی بداریم و فراموش نکنیم. در آخر یک بار دیگر از همهٔ آنانی که در این جلسه اشتراک نموده اند ابراز تشکر می کنم و به کسانی که اعضای بدن و خانوادهٔ شان را از دست داده اند تسلیت می گویم و بر روح و روان شهیدان راه آزادی و استقلال درود می فرستم.

روح شان شاد و راه شان پر رهرو باد

به مناسبت یاد بود از شهدای سوم حوت ۱۳۵۸

جمعه خونین

هرصبح وشام خاطره از قیامهاست
هر لاله را به لب زشهیدان پیامهاست
اندر نگاه خسته دلان بس کلامهاست
هر جاکه دانه است، کمینگاه دامهاست
آنگاه که برف سرد بکابل نشسته بود
دروازه های نوربران خطه بسته بود
خیل کبوتران هنگی پر شکسته بود
جغدان زرد چشم بهر در، نشسته بود
بالا حصار گشته قیامگاه دهریان
بر کوچه های شهر کمین کرده ملحدان
از غم سرشک بر رخ هر مرد وزن روان
نومید ودلفگار همه، پیرو هم جوان
یورشگران مست، به سر نشه شراب
در قصر های عاج نشسته بخورد وخواب
کوکی عروسکان، شده مشغول پیچ وتاب
بر این گمان، تکان نخورد آب هم زآب
یک شامگاه شور قیامت، قیام کرد
ملت ز دقه جسته وآهنگ دام کرد
تکبیر ها شراره ز هر پشت بام کرد
خواب و خوراک لشکر شیطان حرام کرد
شوق تجلیی که دران شامگاه بود
با نعره ها بسوی خدا تا پگاه بو د
در گوشه های شهر نوا بود وآه بود
مهتاب و اختران همه براین گواه بود
لرزید پایه های کرملین ازین خروش
دیوانه گشت لشکر خرسان باده نوش
آتش گشود بر رخ مردان ژنده پوش
تا بشکند قیام دلیران سختکوش
گنجشکها ززوزه رگبار ها گریخت
بر دامن سپید زمین خون سرخ ریخت
ملحد بنای خانه مردم بخاک بیخت
شیرازه های عمر بسی بیگناه گسیخت
شیاره های خون بهر جاده ره کشید
مردان راه حق همه در خاک وخون تپید
بس مادری که چهرهٔ فرزند را ندید
بس نو عروس، سوگ نشین، پیرهن درید
این خاک لمحه،لمحه، بزرگست ونیکنام
یکسر مجاهدند درین ملک،خاص وعام
فرزند خون وزاده حماسه وقیام
این خطه نیست مکمن یورشگران خام

پیشکش به همه آنانی که چون "لهراها" عرق می ریزند و نان به دست می آورند !

لهرا رکاب بزن !!

... دهلی شهر پرنفوس و بزرگی است. برای نقل و انتقال شهروندان دهلی و مسافران، تکسی اندک، و لی رکشا و بایسکل های خاصی برای پیمودن مسافت های کوتاه فراوان یافت می شود و تقریباً همه مسافران بی پایکش را همین رکشاها انتقال می دهند.

تصمیم گرفتم چون مسافت کوتاهی را مد نظر داشتم با همین بایسکل ها به مطلوب برسم. دست دادم و با مشکل به بایسکل ران فهماندم که برود هتل افغان ها که در ناحیهٔ بوگل موقعیت داشت. بایسکل ران ده روپیه پیشنهاد کرد و من پذیرفتم.

بایسکل ران جوان لاغر اندام و بلند قدی بود. رنگ تن سیاه شده ازآفتاب تند هندوستان و چهرهٔ بشاش و خندانی داشت . به نرمی سخن می گفت . موهای سرش را پاک ماشین زده بود . دستمال سرخ رنگی برشانه نهاده و گاه گاه با آن عرق هایش را پاک می کرد . لباس محقر و غریبانه یی بر تن داشت. وقتی فرمان حرکت گرفت، روی زین ایستاد و پاهای لاغر و لی نیرومندش را بر رکاب ها چسپاند و هی به جلو رکاب زد. بایسکل که مانند رکشاها دارای دوچوکی برای خود و دو مسافر دیگر داشت، به پیش خزید .

از جاده یی تنگ گذشتیم. درخت های سبز و بلند و ناشناخته یی، دوطرف جاده را پوشانده بود. غبار و مهٔ ضعیف بر فضای شهر چادر گسترده بود. بایسکل ران با شتاب و قوت تمام به پیش می خزید. عرق هایش همچنان از سر و رویش جاری بود. حرفی نمی زد و لی گاه گاه بر خود نهیب می کشید و خود را به تداوم کار خود تشویق می کرد.

دل تنگ شده بودم و دلم می خواست تا زود تر بابایسکل ران واردگفتگو شوم. به این منظور پرسیدم :

ـ آی برادر شما را به کدام نام صدا بزنم ؟

ـ لهرا ! لهرا ! لهرا !

فکر کردم که عصبانی شده است. زیرا سه بار نام خودرا تکرارکرد و این برایم بسیار ناراحت کننده بود . خندیدم و گفتم!

ـ از این که نام تان را پرسیدم عصبانی شدید؟

ـ وای بگوان ، چرا عصبانی، من تا شام ها شاید روزی صد بار نامم را به مسافرانم بگویم . این دیگر برایم یک تعامل شده است . هرکه نامم را می پرسد من بی اختیار سه بار نامم را بر زبان می آورم تا درمیان هیاهوی شهر مسافرانم بتوانند نامم را دریابند .

ـ خیلی خوب لهرا ، من فکر کردم که با این پرسش شمارا اذیت کردم . خوشحالم که ناراحت نسیتید .

ـ اگر قرار باشد زود زود ناراحت شوم ، چگونه می توانم نان فرزندانم را پیدا کنم . آخر در هندوستان نان دادن زن و فرزندان کار چندان آسانی نیست. من تاشب جان می کنم و حاصلش بیش از یک صدو پنجاه روپیه نمی شود. ولی مجبورم کار می کنم تا همهٔ ما زنده بمانیم.

ـ وضعیت درکشور ما نیز چنین است و از این جهت ما باهمدیگر وضعیت مشابهی داریم . نان پیدا کردن برابر است با جان هدیه کردن .

ـ من سه تا فرزند دارم و افزون بر آن پدرو مادرم نیز با من زندگی می کنند . خانه بر دوش نیز هستم و از بابت کرایهٔ خانه نیز ماهانه در جنجال بزرگی قراردارم . اینها مشکلات من اند... . هی لهرا رکاب بزن! هی لهرا رکاب بزن !

طوری به خود فرمان می داد که نشان بدهد هم از کار خود راضی و خوشحال است وهم بر خویشتن اعتماد قوی دارد. اعتمادی که می تواند بنیاد یک سازندگی را بگذارد که به عقیدهٔ من در نهاد او گذاشته بود.

تاچند لحظهٔ دیگر هردو مان خاموش بودیم . بعد صدای زمزمه های او بلند شد که با خودش و دلش نجوای عاشقانه یی می کرد . نجوایی که برای من بیشتر شبیه سرود های مذهبی بودند .

دلم نخواست که او را از آن حالت جدا کنم. همچنان با خود زمزمه می کرد و پاهایش و تمام نیرویش در کار بود تا بایسکل به پیش برود و نان به دست آید. بادستمال روی شانه اش گاه گاه عرق های خویش را پاک می کرد . عرقی که حتی در این روزهای نسبتاً سرد، از سر و صورتش جاری می شد.

به پیچ جاده رسیده بودیم و ناگزیر او متوقف ماند تا چراغ سبز شود. این فرصت خوبی بود برای این که او بتواند دمی بیاساید. من در این جریان از او پرسیدم با این پیکر ضعیف و تن لاغر به موج شباهت نداری. نامت با خودت نمی خواند (لهرا در زبان هندی موج دریا را می گویند)؟

ـ آی افغان ! فکر نمی کردم شما ها این قدر غیر واقعبینانه فکر کنید. ببینید حالا زمستان دهلی است. حتی د راین روز من نمی توانم یک ساعت بی عرق باشم. تابستان وقتی گرمای شهر ما به چهل و هفت تا پنجاه درجه سانتی گرید می رسد، آنگاه پای در رکاب کردن و یک قدم به جلو راندن قوت موج می خواهد وشیمهٔ دریاها.

ـ یعنی که ...

نگذاشت تا حرفم را تمام کنم. مثل این که می خواست حدس و گمان هایم را پایان دهد. همان گونه که پای در رکاب داشت با سبز شدن چراغ تکان خورد و با قوت بایسکلش را به پیش راند و درمیان موج وسایط دیگرخزید.

آن گاه بی توجه به من ادامه داد:

ـ بلی مسافر افغانی من، وقتی درآن گرمای طاقت فرسا درکنار من باشی و ببینی که عرق چسان از همه بدنم جاری می شود و لباس هایم را درخود می شوید، آنگاه خواهی دانست که من به لهرا شباهت دارم یانه. لهرا، آن روز نشان می دهد که نان آوردن در تابستان دهلی برای یک بایسکل ران چه قدر دشوار است و طاقت فرسا. من در آن روز بی هیچ تردیدی به یک موج تمام عیار می مانم که فقط ویران نمی کنم. می مانم و می سازم و با تمام قوت نیز سازنده هستم. .... هی لهرا رکاب بزن.... هی لهرا رکاب بزن .... رکاب بزن ...

چند بار این کلمات را تکرار کرد و خود مانند موج درمیان موج هایی از وسایط رنگ رنگ روی عراده های بایسکلش به پیش می رفت. من دیگر مایل نبودم چیز دیگری بپرسم زیرا در برابر جواب فیلسوفانه اش چنان مجاب شده بودم که شرمیدم از او سوال کنم .

تاچند لحظهٔ دیگر ما به مقصد رسیدیم و مجبور شدم تا از او خدا حافظی کنم . دستم را به گرمی فشرد. من درکنار جاده لختی درنگ کردم تا بایسکلش تکان خورد و به پیش رفت. صدایش را تا چند قدمی می شنیدم که می گفت لهرا رکاب بزن ... لهرا رکاب بزن ....لهرا رکاب بزن ...

وقتی در میان انبوه بی شمار وسایط در سینهٔ جاده های مزدحم دهلی از دیده گانم ناپدید شد، گمان کردم که چون موجی در میان سینهٔ بیکران دریا با همگنانش پیوست تا ساحل ها را با خیزش هایش بیاراید . لهرا با لهراهای دیگر دهلی یکجا شده بود تا نان بدست آورد .

آنند نکیتن – دهلی جدید
دلو ۱۳۸۴

دولت در سراشیبی بی اعتمادی

تکساری

بحران اعتماد میان حکومت ومردم، از میراث گذشته هاست. مردم در مقاطع مختلف از اداره وحکومت های خویش ناراض بوده اند واین حکومت ها نسبت این کمبودی ها همواره معروض به خطر بوده اند. حزب دموکراتیک از میزان بلند بی اعتمادی بر خودار بود واین حکومت تا زمان فوت خود از دستگاه جهنمی استخبارات طویل وعریض خویش بهره می جست، هیچ ارگان قانونی دولتی را یارای آن نبود که از مصرف وهزینه های کلان این دستگاه پرسش به عمل آورد. این کار به بهانهٔ این که بدون آن نمی شود کشور را از دسایس نجات داد صورت می گرفت.

معمولا حکومت های ضعیف وفاقد پایه های اجتماعی به ایجاد چنین دستگاه های مخوف دست می یازد وبه این دستگاه ها اتکا می نماید. حکومت های استبدادی وجامعهٔ استبداد زدهٔ دوران صدام، حافظ الاسد، بشار الاسد، معمر القذافی وحکومت های نظامی درپاکستان به چنین امراض دچار بوده اند وهمواره مردم این کشورها با حکومت های شان در بی اعتمادی قرار داشته اند. استبداد بزرگ وعظیم در متن جامعهٔ افغانستان همواره وجود داشته است. مردم افغانستان نیز به چنین استبدادی خو گرفته اند. اداره های پس از اجلاس بن در افغانستان هم به این دستگاه امنیتی توجه زیاد نموده اند. گرچه این دستگاه از سایر دستگاه های استخباراتی گذشته فرق دارد؛ زیرا حزب دموکراتیک ، فاسد ترین افراد را در دستگاه خویش جذب می نمود این افراد در قید هیچ یک از معیار های انسانی واخلاقی نبودند، شبانه راهی خانه های مردم می شدند ، به جرم اتهام ضد انقلاب به کارهای ناشایسته دست می یازیدند اما دستگاه استخبارات کنونی با وجود آن که عده یی از این نوکران شاید در بدنهٔ این دستگاه هنوز حضور داشته باشند با دستگاه رژیم کمونیستی قابل مقایسه نیست. در این دستگاه نیز پول های کلان به مصرف می رسد و مسؤولان حاضر نیستند میزان محاسبات پولی خویش را به دولت گزارش دهند. البته این میراث کشورهای عقب مانده است که به کمک دستگاه استخبارات حکومت می کنند، نه با ارزش های دینی ودموکراسی. در سفر اخیر جلالت مآب کرزی رئیس جمهور به ولایت تخار

نوعی لجام گسیختگی در حوزه های فرهنگی رادیو وتلویزیون جریان دارد هر روز ارزش های دینی وملی کم رنگ می گردد. رگبار اباحی گری بر سرنوشت جوانان ما حاکم است. ناهنجاری های اجتماعی در کشور درحال شکل گرفتن است. توانایی های فکری ما محدود گردیده وهمه چیز در مدار تقلید می چرخد

دستگاه امنیت ملی راه ها وجاده های عمومی را به روی مردم بست، مردم در خانه های خویش در شهر تخار محصور ماندند و... در حالی که مردم علاقه دارند با رئیس جمهور خود ببینند، درد دل نمایند ودر نتیجه فواصل حکومت و مردم کمتر گردد. به یقین این جو سازی سیاسی به خاطر امنیت نه تنها بسیاری از ارزش هارا زیر سؤال می برد بلکه بحران اعتماد را میان مردم ودولت عمیق تر خواهد ساخت. بحران اعتماد توانایی های مارا به تحلیل می برد و این یک نوع بیماری است که در جامعه ریشه دوانیده است.

افغانستان را دغدغه های چندی تهدید می نماید که از جمله بحران است. دلیل عمدهٔ این همه بی اعتمادی را عدم کفایت وتوان مندی دولت در ظرف ۴ سال در کشور تشکیل می دهد، وضعیت رفاهی در خانواده ها چندان تغییر نکرده است. مردم از بی امنیتی رنج می برند. نظام آموزش وپرورش به حالت ثابت باقی مانده است، میزان جذب شاگردان به تحصیلات عالی ثابت مانده و همه چیز در کشور تقلیدی است. نوعی لجام گسیختگی در حوزه های فرهنگی رادیو وتلویزیون جریان دارد هر روز ارزش های دینی وملی کم رنگ می گردد. رگبار اباحی گری بر سرنوشت جوانان ما حاکم است. ناهنجاری های اجتماعی در کشور درحال شکل گرفتن است. توانایی های فکری ما محدود گردیده وهمه چیز در مدار تقلید می چرخد، فقط دربارهٔ کارهای دیگران فکر می کنیم. نظام آموزشی وتحصیلی ما کارمند تربیت می کند، نه فرهنگی؛ زیرا فرهنگ مطالعه درمیان تحصیل کرده های ما وجود ندارد، در همه چیز تقلید است، نظام آموزشی ما تقلیدی نظام سیاسی ما تقلیدی، همه چیز در مدار تقلید می چرخد. این تحول های نا میمون بر میزان بی اعتمادی در کشور افزوده است. مردم انتظار دارند تا دولت در خانه تکانی جدیدی که روی دست دارد بتواند این خلای به جای مانده را تا حدی پر سازد در غیر آن بحران اعتماد در کشور میان مردم و دولت نهادینه شده وبه یک مشکل عمیق تبدیل خواهد شد.

فساد او ...

خو داسی معلومیږی چی همدغه لانجه د بندیانو ترمنځ چی ویل کیږی زیاتره یی طالبان دی، د یو ډول همغږی لامل ګرځیدلی وی. په میاشتو د مخه دا خبره حتی د بشر د حقوقو د فعالیتونو له خوا مطرح شو چی د څرخی پله په زندان کی زیاتره بندیان په دولت کی د اداری فساد په دلیل په جیل کی بی سرنوشت شپی ورځی تیروی او مسئول مقامات د دوی د آزادی په بدل کی له هغوی نه پیسی غواړی.

ویل کیږی چی د دی بندیانو په ډله کی داسی کسان هم شامل دی چی د هیواد له لری پرتو سیمو څخه دلته راوستل شوی دی او د بند موده یی پخوا پای ته رسیدلی ده خو د پیسی نه درلودلو په دلیل اوس هم په زندان کی پراته دی او د هغوی خپلوان له ډیرو ستونزو سره مخامخ دی. ځینی بیا دا ادعا هم کوی چی هغوی سره د قومی مسایلو پر بنیاد ، تبعیضی چلند کیږی.

په دی زندان کی یوازی هغه کسان چی د طالبانو سره د همکاری په تور نیول شوی دی بندیان نه دی. جنایی بندیان هم دا شکایت لری چی شتمن مجرمین آزاد ګرځی او دلته هغه مجرمینو ته سزا ورکول کیږی چی پیسی نلری.

دا رسوایی د افغانستان مختلف ارګانونوته متوجه ده. او که د بشر فعالانو او آزاد خبریالانو لپاره دا زمینه برابره شی چی په دی هکله څیړنه وکړی او د بندیانو حالات وڅیړی نو په ټولو، له قضا نه نیولی تر څارنوالی، عدلیی وزارت او پولیس د اداری فساد اندازه یوځل بیا پر بند شی. که څه هم دا مسئلی دومره روښان او جوته ده چی نور روښانتیا ته ضرورت نشته.

په داسی شرایطو کی چی امریکا تر بین المللی فشار لاندی دی چی د ګوانتانامو زندان وتړی، په افغانستان کی داسی یوه پیښه، امریکا حکومت ته هم دا دلیل په لاس ورکوی چی وواٸی د دی بندیانو لپاره بغیر له ګوانتانامو نه بل مصئون ځای نشته.

افغان حکومت پخوا له امریکایانو نه دا غوښتنه درلوده چی د ګوانتانامو په زندان کی بندی افغانان باید افغانستان ته وسپارل شی خو د دی جریان په رامنځ ته کیدو سره امریکا ته مشکل وی چی دا غوښتنه ومنی.

اعلامیۀ جمعیت اسلامی ...

و ادعایی آنان را به چالش گرفته است، به خلق چنین حادثهٔ تفرقه افگنانه توسط ایادی خویش دست یازیده اند.

جمعیت اسلامی افغانستان با محکوم قرار دادن چنین جنایتی و درود به ارواح شهیدان این حادثه و تسلیت به خانواده های آنان از همه امت اسلامی، اعم از شیعه و سنی می خواهد هوشیاری خویش را از دست ندهند. در حالی که وسیعاً باید این عمل محکوم شود، نگذارند این جنایتی که توسط دشمنان امت اسلامی و ایادی آنان جامهٔ عمل پوشیده است در وحدت صف مسلمانان در برابر اهانت به پیامبر شکستی ایجاد گردد و مسلمانان خدای نخواسته به نام شیعه و سنی رو در روی هم قرار گیرند.

به امید وحدت امت اسلامی و ابراز نفرین بر عاملان این جنایت

با احترام

جمعیت اسلامی افغانستان

دفتر مرکزی

ویده استازی

اتل

ډیرځلی مادکلی له سپین ږیرو اوریدلی و،چې په سختیو پسی اسانی شته؛ خوماته هغه وخت داخبره جوته شوه ،چې داستازی توب څوکی می وروسته له ډیرو منډو اوکمپاینونو څخه لاسته راوړه. اوس ډیر اسوده د ولسي جرګه په اسپنجداره چوکۍ، دراتلوونکې لپاره نوی، نوی فکرونه کوم او کله ناکله په کې دیو دوه شومی خوب زمینه هم راته مساعده کیږی .

ربښتیا څه منډی می وکړی نه می خپل اونه مې پردی پریښود هرچاته به مادخپل صداقت اوامانت والی اوخلکو ته دخدمت وعدی ورکولی .مجبوره وم اوورته ویل به می ماته رایه راکړی بیابه ووینی، چې څنګه خدمت درته کوم. هغه وخت مایو جوړسپین کالی پوره میاشت اغوستل بدلیدوته می وخت نه درلود اوله لری به لکه تیل فروش داسی ښکاریدم؛ څکه کالی می داسی غوړشوی و، چې تابه ویل دمستری شاګرډیم اویاهم تیل فروشی لرم . توری دټوپ کلوشی به می پر پښووی، غټ ګنجی به منی اغوستی و دواسکټ پوښتنه خو مه کړه، استر یې تور و برسیره سپین خو له خیرن توب څخه یې اوس نودمخی اوشاچندان فرق نه کیده.داخلاص صداقت او ایمانداری کارتونه می په جیب کې، بنډلونو پراته وهرچاته به می دموخی اوخلکوته دخدمت په اړوند دقیقی څه، چې حتی ساعتونه به ورته لګیاوم ژبه به می وچه شوه اوکله کله به می خولی څګ وکړ.

مقابل لوری به دخپلی خولی په پاکولو سره په دی پوه کړم، چې خپلی خولی ته پاملرنه وکړم دستمال به می له جیب څخه راوایست خولی ته به می یووړاودبښنی په لفظ به می ورته وویل:

څه وکړم غواړم خلکوته خدمت وکړم، چې هغوی دژوندانه په چاروکې اسوده شی، خلکوته به می دومره وعدی ورکړی، حتی کله کله به داسی فکرراته پیداشو ، چې له کرزی صاحب څخه زما واکی زیاتی دی .که

ربښتیا ووایم په لومړی سرکې یوڅه دغه پارلمان ته زړه بی زړه وم چې کارونه به ډیر ګړندی وی ، یاره دااستازی توب وکولای شی که نه تل می خدای ته زاری کولی ،چی ته کارراته اسانه کړه دشپی خوب رابانده دریدلی و اخر مسوولیت راپه غاړه و، له ځان سره به می ویل یاره هغه به ورځ وی، چې په پارلمان کې به ما میاشت تیره کړی وی خوله نیکه مرغه داسی ورځ هم راغله ،چې میاشت تیره شوه او خپله دنده می هم پوښتنه مه کوه چی په داسی صداقت او امانت داری سره ترسره کړ ی چې چابه تراوسه نه وی ترسره کړی دری څلورورځی وکیلان هم ډیر جدی اوتند غږیدل اوپه تنده ترینګلی څیره یې خپلوخبروته پای ځوړ ورکاوه او د چاروکو له نظر څخه پرعمل تینګار زیات و. خوله هغه وروسته دی خدای داسی اسوده کړه لکه چې زه خدای اسوده کړی یم ولاکه دژمی په رخصتیو کې هم څوك داسی ارامه خوب وکړی لکه، چې زه یې په پارلمان کې کړم .

که څه هم له همغه اولی ورځی بیریدم، چې کومه ورځ به پر خوب کولو ګیر شم؛ خو د خدای فضل په دی کې و؛ چې له ما څخه نورخوبه وړی هم په پارلمان کې شته. تیره ورځ په شوراکې ناست وم، وروسته له یوی شیبی څخه خوب راغی، یوه شیبه می ځان په پوزه اخته کړ یوپر بل پسی څوارګمی وی چې دبل وکیل صاحب له خوا زماپه لوری رالیږدول کیده ځان به می لیږوښوراوه، چې ارګمی به راغله راکښې به ناستم، تانګونه به راغلل یوځلی دوهم ځل په دریم ځل چې می ځان خوب ته برابراوه لاسونه می سره کش کړل اوځان می هم له چوکې څخه راوایست پیښی می شخی کړی خودلاسونو له کشیدو سره می سم وکیل صاحبه خواته ناسته وه ناپامه مې لاس وړد اوهغه می په خوله کې ووهله که څه هم زه نه وم خبر،چې هغه ویده وه اوزماله وهلو سره سمه له خوبه راغوځاره شوه پرته له دی، چې فکر وکړی چیری ناسته ده پر ښکنځلو یې پیل وکړ ماویل خوری وبښه زماپام نه وداچې له خوبه وه ویې ویل ته رووند یې لارنه وینی چې زه دی په څنګ ووهلم ماویل خوری چوپ شه پارلمان کې ناسته یې خوهغې چې سترګې موښلی ویښتان یې جګ جګ ولاړ ودمخ وهلی پوډریې رانری شوی راپاڅیده په لوړ غږ یې وویل ربښتیاوایې!

چرا در عراق مکتب ها را به آتش نمی کشند؟

وحید مژده

تعلیم و تعلم در اسلام دارای ارج و مقام شامخی است. طبق تعالیم قرآن مجید، آنانی که علم دارند با آنهایی که نمی دانند و فاقد علم اند مساوی نیستند. در احادیث متعددی از پیامبر بزرگ اسلام به اهمیت کسب علم و دانش تأکید گردیده است، به حدی که شرکت در مجلس اهل علم و کسب دانش عبادت دانسته شده است.

مسلمانان در صدر اسلام با پیروی از همین تعالیم مقدس به مدارج بزرگی از علم و دانش رسیدند. در تاریخ علوم بشری نام دانشمندان مسلمان در رشته های مختلف، از کیمیا گرفته تا طب و علم نجوم آمده است. این پیشرفت های بزرگ در زمانی صورت گرفت که اروپا در تاریکی های قرون وسطی دست و پا می زد. در این دوره، کلیسا هرگونه تلاش در جهت تحقیق در علوم ساینس را به عنوان جادوگری و مخالفت با تعالیم مسیح علیه السلام جرم و گناه می دانست و هرکسی که حتی از این مقولات سخن می گفت مستوجب جزا و عقوبت و زنده در آتش سوختن بود.

اروپائیان در دوران جنگ های صلیبی و با شکست هایی که از مسلمین تحمل کردند متوجه عوامل عقب ماندگی خود شدند و با ترجمهٔ کتب دانشمندان مسلمان به رمز پیشرفت های مسلمین پی بردند به این ترتیب مسیحیان اروپا قدم به دورهٔ رنسانس نهادند.

در شرایطی که اروپا وارد دورهٔ رنسانس می شد، در جهان اسلام به تدریج نوعی خمود و انجماد فکری گریبان اندیشه ها را گرفت. نظام های خود کامه که فقط به فکر بقای خود بودند، سعی در تاریک نگهداشتن جوامع مسلمان داشتند در مدارس دینی که تا آن زمان هیچ مخالفتی با تحصیل علوم ساینس موجود نبود، به تدریج نوعی مخالفت با تتبعات جدید ظاهر شد. دین و دنیا که در صدر اسلام مکمل هم بودند، به دو مقولهٔ متضاد و در برابر هم مبدل شدند.

شکست سخت نظامی از نوعی که مسیحیان در جنگ های صلیبی از مسلمانان متحمل شدند لازم بود تا مسلمانان را از خواب غفلت بیدار سازد. وقتی نیروی آتش سلاح های گرم در میدان نبرد و معرکه جانشین برندگی شمشیر ها شد، مسلمانان این عقب ماندگی از کاروان را احساس کردند اما دیر شده بود.

برای رسیدن به کاروان رفته لازم بود که مسلمانان به جبران مافات بپردازند وسریع تر گام بردارند. بحث تأسیس مدارس عصری برای اولین بار در ترکیهٔ عثمانی به میان آمد. شکست خلافت عثمانی در برابر اروپائیان این روند را سریع تر کرد اما مشکل رسیدن به کاروان تمدن و پیشرفت علمی نیازمند سرعتی چند برابر سرعت اروپائیان بود و این کار امکان پذیر نشد.

همان بود که مسألهٔ تقلید از غرب چیزی که عرب ها آن را (تغریب) می نامند در جهان اسلام به میان آمد و بعضی به این تصور شدند که علت پیشرفت تمدن غرب در این است که غربی ها هرروز صبح غسل می کنند و لباس های متفاوت از مسلمانان بر تن می کنند. ریش خود را می تراشند، می رقصند و مشروب الکلی می نوشند.

کمتر کسی به این مسألهٔ مهم توجه کرد که کسانی برای غرب تمدن به ارمغان آوردند که خود را وقف علم کردند و شب و روز تلاش ورزیدند. مظاهر تمدن غرب معلول آن تمدن است نه علت آن.

مسلمانان دیدند، غرب زمانی به پیشرفت آغاز کرد که دست کلیسا را از گریبان تفکر و اندیشهٔ علمی جدا ساخت. غرب زده ها در کشور های اسلامی به جای این که به این حقیقت توجه کنند که کلیسا و مسجد با هم یکسان نیستند و در اسلام هیچ مانعی در راه تحقیق علمی در زمینه های ساینس وجود ندارد، نوعی الگو برداری از روش دین ستیزی در غرب صورت گرفت واین مساله موجب رویارویی میان مدارس دینی و مدارس عصری گردید.

بعضی به این تصور شدند که علت پیشرفت تمدن غرب در این است که غربی ها هرروز صبح غسل می کنند و لباس های متفاوت از مسلمانان بر تن می کنند. ریش خود را می تراشند، می رقصند و مشروب الکلی می نوشند

در افغانستان در آغاز قرن بیستم با به میان آمدن مکتب حبیبیه این تجربه آغاز شد. اما هم در افغانستان و هم در سایر کشور های اسلامی در آغاز این روند سعی شد تا از استادانی با سابقهٔ تحصیل در مدارس دینی استفاده صورت گیرد و این کار به شکلی جلو برود که در مکتب هم مضامین دینی و هم مضامین عصری در کنار هم تدریس گردد.

همزمان با تأسیس مکتب حبیبیه، علامه محمود طرزی از طریق سراج الاخبار سعی در تفهیم اهمیت آموزش علم و صنعت برای کشور نمود و ادبیاتی که می توان آن را (صنعتی) گفت در همین دوره رایج شد. طرزی اهمیت ذغال سنگ، بخار، و سایر پدیده های انقلاب صنعتی را در قالب شعر بیان کرد و دیگران از جمله مستغنی بروی در این امر اقتدا کردند.

در دوره های بعد توجه به مدارس عصری بیشتر شد و درمقابل مدارس دینی از توجه دولت به دور ماند. سقوط امان الله خان را می توان به نوعی، ناشی از تقابل میان مدارس دینی و عصری خواند. مدارس دینی در طول زمان نتوانست با نیاز های زمان همگام شود. آموزش منطق ارسطو وقت زیاد طالب العلم را به خود اختصاص می داد و (شرح چخمانی) هنوز هم به القای نظریات بطلیموس می پرداخت که زمین مرکز عالم است.

در اکثر کشور های اسلامی، علمای دین با درک مسؤولیت های خطیر خویش در جهت اصلاح نظام تدریس در مدارس دینی کوشیدند وبا فتوا های خویش در مورد مسائل مستحدثه، در جهت نشان دادن چهرهٔ واقعی و مطابق به شرایط زمان از دین خدمات ارزنده یی انجام دادند اما در افغانستان برعکس دولت ها تعمد داشتند تا دین و دینداری کاری در حاشیهٔ امور زندگی قرار داشته باشد.

این مسأله موجب شد تا از دیرباز چشم طالبان علوم دینی در افغانستان به آن سوی مرز ها دوخته شود. قبل از اشغال بخارا به وسیلهٔ روس ها، طالبان علوم دینی از افغانستان به بخارا می رفتند اما بعد از آن ماجرا، راه به سوی هند بریتانوی باز شدو مدرسهٔ دیوبند آغوش خود را به روی طالبان افغان گشود.

در دوران جهاد که توجه به سوی مسائل دینی بیشتر شد، مدارس فراوانی در کمپ های مهاجرین تأسیس گردید. در عین حال مکاتب به شیوهٔ عصری و دانشگاه ها نیز به وجود آمد. دانشگاه دعوت و جهاد، تلاش موفقی در جهت تلفیق میان مکتب و مدرسه داشت. دانشگاه امهات المؤمنین به کار تدریس به زنان مشغول بود.

هرچند در میان رهبران مجاهدین، اکثریت با کسانی بود که سابقهٔ تحصیل در مدارس عصری را هم داشتند اما نوعی تقابل میان این دو نوع تنظیم ها محسوس بود. هرکدام از تنظیم ها تلاش داشتند تا تعداد بیشتری از علمای دین را به سوی خود جلب کنند. حزب اسلامی حکمتیار در این رابطه تلاش کمتر داشت و به همین دلیل موقف گیری های رهبرش کمتر مورد حمایت علمای دین قرار می گرفت.

در حالی که در دیار هجرت ماهانه بخش بزرگی از بودجه صرف تعلیم و تربیت می شد. اما در داخل افغانستان روحیهٔ مخالفت در برابر مکاتب دولتی شدید بود. دلیل آن این بود که در ابتدای حکومت کمونیستی به رهبری تره کی، همان گونه که صاحب کتاب اردو وسیاست در سه دههٔ اخیر افغانستان تصریح می کند بخش بزرگی از کادر های حزب خلق از معلمین بودند. حتی بخشی از کادر های بالای رژیم کمونیستی از دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل آمده بودند. نظام تحصیلی یی که حتی بالاترین مراکز تحصیل علوم دینی اش کمونیست تحویل جامعه می داد نمی توانست مورد اعتماد مخالفان مکاتب عصری باشد.

دولت در ولایات و ولسوالی ها مراکز تبلیغ برای اهداف ایدئولوژیک خود ایجاد کرد که در مکاتب راه اندازی شد. پس از سفر حفیظ الله امین به کیوبا و دیدار وی با کاسترو، به مکاتب به عنوان مراکزی که نسل جدید هوادار طبقهٔ دوران ساز کارگر باید از آنجا برخیزند، توجه شد. مکاتب جایی بود که دستگاه استخبارات خلقی ها از آنجا به جمع آوری اطلاعات از کودکان و نوجوانان می پرداختند. بسیاری از کسانی که دستگیر و بدون محاکمه سربه نیست شدند، براساس اطلاعات به دست آمده حتی از فرزندان خود شان که در این مکاتب درس می خواندند، به این سرنوشت گرفتار آمدند.

با اوج گرفتن دامنهٔ جهاد، مکاتب در بعضی از ولایات و ولسوالی ها مسدود و به مراکز نظامی رژیم مبدل گردیدند.

با ویران شدن هر مرکز از این نوع، دولت کابل به این تبلیغ می پرداخت که مجاهدان ضد فرهنگ اند و به همین دلیل مکاتب را به آتش می کشند اما نمی گفت رژیم از ساختمان آن مکاتب به چه عنوان استفاده می کرد.

با جنگ های تنظیمی بعد از سقوط دکتر نجیب، بار دیگر اختلاف میان مکتب و مدرسه به میان آمد. طالبان در عقب این جنگ ها و خون ریزی ها، عطش رسیدن به قدرت را می دیدند که با تعالیم اسلام مخالف بود. آنها رهبران درگیر جنگ را محصولات مکاتب عصری می دانستند. آنها به شیوهٔ دیوبندی ها پیروی این رهبران از رهبران اخوان المسلمین و جماعت اسلامی بخصوص مولانا مودودی را دلیل اصلی این گمراهی قلمداد می کردند. (دیوبندی ها مودودی را به خاطر این که در مدرسهٔ دینی درس نخوانده بود، گمراه می دانند.)

طالبان با به قدرت رسیدن، دولت را از کسانی تشکیل دادند که [illegible] یا طالب علوم دینی بودند. در مکاتب عصری مفردات درسی مدارس دینی را شامل نمودند به حدی که بخش اعظمی از نصاب تعلیمی را نصاب مدارس دینی تشکیل می داد. در ادارات دولتی نیز تدریس کتب درسی مدارس دینی اجباری شد. شورا های مهم طالبان نیز از گردهمایی علمای دینی تشکیل می شد.

با چنین پس منظری از تقابل میان مدارس دینی و مکاتب عصری، می توان دریافت که چرا مکتب سوزی در بعضی از مناطق کشور ما صورت می گیرد. مکتب از نظر آنان جایی است که در آنجا کودکان با روحیهٔ حمایت از دولت و نیروهای خارجی خو می گیرند. آنها به این تصور اند، در شرایطی که هیچ نیروی خارجی در افغانستان موجود نبود، این گونه مکاتب در زمینه سازی برای تجاوز خارجی کارآمد ثابت شد. اکنون در تحت سایهٔ نیروهای خارجی، اطفال مطابق به میل آنان تربیت می شوند.

اگر مکتب نباشد، مردم مجبور اند کودکان خود را به مدارس دینی پاکستان بفرستند. جایی که مراکز سرباز گیری طالبان نیز هست. پس باید این مکاتب از بین بروند.

این مطلب مرا به یاد سخن یک جوان افغان در جنوب افغانستان می اندازد که با به آتش کشیده شدن مکتبی که وی در آن درس می خواند غمگینانه از یک خبرنگار می پرسد: چرا در عراق مکتب ها را به آتش نمی کشند؟!

ضعف و قوت فرهنگ ملت ها حتی در تروریسم شان نیز خود را متبارز می سازد! آیا چنین نیست؟

له حکومت سره دپرګنو ملاتړ اړین دی

زکوخیل

ټولو هیوادوالو ته پوره پوره پته ده، چې دبن دپریکړو وروستې پړاوو هم بشپړ شو؛ یعنې ملي شورا جوړه او پرندندو یې پیل وکړ، تیر به هیرکړو په راتلونکی به خبري وکړو.

څه موده پخوا دبن، توکیو او برلین غونډو پر دوام په لندن کې دافغانستان دبرخلیك په اړوند غونډه جوړه، چې له شپیتو څخه دزیاتو هیوادو او نړیوالو موسسو لوړ رتبه استازیو په کې ګډون کړی و. په غونډه کې زموږ په هیواد کې پرتې سیاسي اقتصادي، امنیتي او ټولنیزې ستونزې وڅیړل شوې او دټولو ستونزو له منځه وړلو له پاره نړیوالې ټولنې تقریبا ۵،۱۰ ملیاردو ډالرو مرستې ژمنه وکړه.

دنظر د خاوندانو په اند زموږ دخلکو او دولت له پاره به دا وروستی ازموینه وی، په دې مانا، چې څومره او په کومه کچه به په هیواد کې اوسیدونکی پر ګنې دهیواد دبیا رغونې او خپل ژوند دښه کیدو او په هیواد کې دخوارۍ، بیکارۍ دله منځه وړلو په موخه یو بل ته دیووالی او مرستې لاسونه ورکړي؟ هیواد وال به له دې وروسته په کومه کچه حکومت ته دټولګټو پروژه دپلې کیدو له پاره زمینه برابره کړي؟ که پراخې پرګنې له حکومت سره لاس یو نه کړي او په پوره یووالي سره دټولګټیو پروژو د تطبیق له پاره زمینه برابره نه کړي او له حکومت سره په پوره اخلاص لاس یونه کړي، په دې صورت کې به دژمنه شویو پیسو لګښت ګټورلړ وی او دپرګنو دستونزو په لیرې کولو کې به ډیره لږه اغیزه ولري.

همدارنګه به دحکومت له پاره هم دا وروستی چانس وی وبه لیدل شي چې په راتلونکي کې یې څه برياوې په برخه کیږي. حکومت باید دژمنه شویو پیسو په لګښت کې، دهیوادوال خلکو ډیرو ضروری اړتیاووته دلومړیتوب حق ورکړي او دملي ګټو په پام کې نیولو سره اغیزمن پلان جوړ،په پوره دقت، څیرتیا او خواخوږۍ دهیواد په بیا رغونه او دپرګنو دستونزو دلیرې کولو په لارکې پلې اولـه ژمنه شویو پیسو څخه ګټه واخلي.

ددې له پاره چې په راتلونکی کې چارواکې له خپلو کړنو څخه پر زړه پورې پایلې تر لاسه کړي، ددې موخې تر لاسه کولو له پاره حکومت ته، دپراخو پرګنو ملاتړ اړین او ضروري بریښي. او دا ملاتړ هغه وخت تر لاسه کولای شي، چې حکومت د دوی ستونزو او اړتیاوو ته ځانګړې پاملرنه وکړي.

نظری به وضعیت نا به سامان جوانان کشور

محمود الله فیروز



نگاه دردمندانه و ژرف نگرانه بر پدیده های اجتماعی.موجود، زنگ خطری را به صدا در می آورد که از تلخی آن، کام ها نیز تلخ می گردد و تیرگی اندوه بر جبین هر انسان دل سوز نقش می بندد.

نا به سامانی های اجتماعی کنونی ما تنها بر مواردی انگشت شمار منحصر نیست، بلکه این نا به سامانی ها چونان سیلی که همه چیز و همه کس را در برابر امواج پر تلاطم و سهمگین خویش به نیستی می کشاند، همه داشته ها و ثروت های معنوی و انسانی جامعهٔ ما را با بی رحمی و خشونت به نیستی کشانده است و چه بسا که ما نیز در وضعیتی قرار می گیریم که زمینهٔ پدیداری این سیل را فراهم می سازیم.

شکی نیست که مظلومیت و محرومیت در همه اقشار ملت مظلوم ما رسوخ کرده است و از هر بعدی که به مردم مؤمن و فداکار خود بنگریم چهره های عبوس از فقر، محرومیت، مظلومیت، مسکنت و... به خوبی نمایان می گردد و نیازی به کاوش ندارد.

در جهان امروز پایه و مبنای دگرگونی ها و سرمایه گذاری های مادی و معنوی را نیرو و استعدادهای جوان، متحرک و بالنده تشکیل می دهد یقیناً بازوی نیرومند و کاری اجتماع، آنانی اند که با استعداد و توانایی های سرشار خود، نیازها و ضرورت های اجتماعی را به خوبی درک می کنند و قادر به حل آن می گردند.

اما متأسفانه مظلومیت و ناتوان مندی قشر جامعهٔ ما نشانگر آن است که زمامداران ما افزون بر التیام نبخشیدن بر زخم های ناشی از دودهه جنگ و ویرانی این نسل، نتوانسته اند برنامه ریزی دقیق و آگاهانه یی را در راه سعادت مندی آنان روی دست بگیرند.

با نگاهی گذرا به وضعیت اسفبار قشر جوان، جوانانی را می بینیم که در بحبوحهٔ مشکلات طاقت فرسا نیاز به دلسوزانی دارند که به آنها یاری رسانند و دست شان را بگیرند تا توان مندی های ذاتی و بالقوهٔ خویش را به نمایش بگذارند اما متأسفانه سال هاست که از چنین مرجع و نقطهٔ امیدی خبری نیست که نیست!

سوال این جاست که در چنین وضعیت اسفباری که در حال حاضر همه شاهد آنیم در جهان معاصر چه جایگاهی خواهیم داشت؟ و مسؤولیت قشر آگاه و روشن و با احساس ملت، در قبال این قضایا و بلایا چیست؟ و بالآخره راه نجات از این امواج پر تلاطم و مخوف تهاجم فرهنگی به ساحل نجات چه می باشد؟

باید به این واقعیت اعتراف کنیم، در جهانی که شماری از کشورها با تکیه به استعدادهای جوان و افکار بکر و زایندهٔ خود کرات سماوی را به تسخیر در آورده اند و بیشترین امکانات و سرمایه ها را در جهت تربیت و آماده سازی فرزندان وطن خویش به مصرف می رسانند، مسؤولان ما هیچگاهی نتوانسته اند ویا نخواسته اند با جدیت به این موضوع بیندیشند و مسؤولیت خویش را در برابر

در حال حاضر جهان با همان سرعتی که به سوی پیشرفت و تکنولوژی گام بر می دارد، ما با همان سرعت به عقب بر می گردیم و نیروهای جوان و مستعد را به جای این که به سوی علم و ترقی و پویایی راهنما شویم به سوی فراگیری اندیشه ها، افکار و کردارهای اجانب فرا می خوانیم

چنین نیروی بالقوه یی که می توان با درست هدایت نمودن آن آیندهٔ کشور و سعات مردم وملت خود را تضمین کرد، ایفا نمایند. در حال حاضر جهان با همان سرعتی که به سوی پیشرفت و تکنولوژی گام بر می دارد، ما با همان سرعت به عقب بر می گردیم و نیروهای جوان و مستعد را به جای این که به سوی علم و ترقی و پویایی راهنما شویم به سوی فراگیری اندیشه ها، افکار و کردارهای اجانب فرا می خوانیم.

همین اکنون رسانه های دیداری و شنیداری کشور در پی ترویج فرهنگ موسیقی خوانی و موسیقی شنوی، آن قدر تلاش می ورزند که گویی با فراگرفتن آن، همهٔ درد و رنج این ملت ستمدیده و رنج کشیده بهبود خواهد یافت. البته نگارنده در پی آن نیست که از نگاه دین مبین اسلام موسیقی چه حکم دارد؟ بلکه می خواهد بگوید که با نگاهی عاری از خوشبینی مفرط و بدبینی غیرمنصفانه به وضعیت اسفبار موجود کشور، هنوز موارد مظلومیت و محرومیت فراوانی به چشم می خورد که می توان با تکیه به بازوی نیرومند و مستعد جوانان متعهد و دلسوز، امید بهبودی داشت که از همه اول تر باید جوانان را به همان سو راهنمایی کرد تا به بار آوردن آنان به هنرمندان تقلیدی و ترویج دهندگان فرهنگ موسیقی خوانی و موسیقی شنوی که سود آن هم به جیب دیگران سرازیر می شود و به جنابانی که در این راستا از حد زیاد جان فشانی می کنند جز ضیاع وقت چیزی دیگری به دست نمی آید.

بنا بر این در چنین صورتی آنچه را که باید اساس و مبنای هر تلاشی قرار داد این است که پایه و مبنای آن باید شناخت و معرفت دینی باشد چون در درون جامعهٔ اسلامی ما تنها شناخت درست از ایمان، اسلام و اعتقادات دینی است که به کوشش ها و تلاش ها جهت و هدف می دهد.

بر همین مبنا بر همهٔ آنانی که به جامعه و ملت خود دل می سوزانند و به شناخت و معرفت دینی اهمیت می دهند لازم است تا عوامل انحرافات فکری و گرایش های منفی را بشناسند. به خصوص اعمال و کردار عده یی بدنام را که به نام اسلام انجام می دهند عالمانه و نقادانه به نقد بگیرند و اجازه ندهند هر عمل نا بخردانه و غیر معقول به نام اسلام و دین طرح و عملی گردد.

بدون شک ذهنیت پویای جوان امروز کشورما نشانهٔ تیر منحرفان اعتقادی و فکری قرار گرفته است و عوامل متعددی دست به دست هم داده تا صفا و پاکی و دین مداری اندیشهٔ جوان را به یغما ببرند و به جای آن عقده مندی، انکار، بزه کاری، بی اعتمادی، بی باوری به دین پر نمایند و به آنها چنین وانمود سازند که العیاذ بالله مقصر اصلی همهٔ این نا به سامانی ها اندیشهٔ پویا و متحرک اسلامی است. البته این هم بسیار غیر منصفانه خواهد بود که گناه همه چیز را به خود جوانان و یا دست های بیگانه و طرح های شیطانی منسوب سازیم و عملکرد ضعیف خود را که اگر عامل قوی این فاجعه نباشد، یقیناً یکی از عوامل آن خواهد بود نادیده بگیریم. بناءً خوب است که قبل از هر چیزی به این واقعیت تلخ توجه کنیم که بسیاری از سرخوردگی ها به دلیل عملکرد غیر معقول و گاه غلط ما بوده است که متأسفانه کم تر با جرأت و جسارت حق نگرانه به آن اعتراف کرده ایم.

به هر صورت، در حالتی که بنا به عوامل پیدا و ناپیدا گرفتار مصیبت عظیم شده ایم. مصیبتی که بسیاری از افراد جامعهٔ ما را احاطه کرده است امروز اکثریت جمعیت جوان آگاه و یا نا آگاه از اسلام، فدای هدف های خارجی و عوامل منحط داخلی گردیده اند. همچنان جمعی از آنها در اوج محرومیت و به دور از هر نوع امکانات علمی، معیشتی و رفاهی لازم به آیندهٔ خویش خوشبین نیستند و برای نجات خود با ناامیدی سر به هر دری می زنند و به هر کاری که دل شان خواست دست می یازند تا شاید موجبات آرامش و آسایش شان را فراهم سازد. اما هستند عدهٔ انگشت شماری که بنا به دلایلی موجه و یا نا موجه به امکانات مالی و غیره دست یافته اند، غافل از این که در چه اجتماع نیازمند و صاحب ضرورتی زندگی می کنند وچه مسؤولیتی دارند و تنها به وقت گذرانی مشغول اند. البته کم نیستند جوانان متعهد، و مخلص که برای جامعهٔ شان، دل می سوزانند و در حد توان و یا فراتر از آن در جهت اصلاح و رفع ناملایمات تلاش و کوشش می ورزند و از حالت های دردناک و متألم آزار و شکنجهٔ روحی می یابند. اما سوال این جاست که در برابر چنین توفان سهمگین انحراف چه کاری از اینان ساخته است و تا چه حد می توانند از سنگینی این مصیبت بکاهند سوالی است که در آینده جواب آن روشن خواهد شد که به راستی فعالیت ها و تلاش های انفرادیی که صورت می گیرد تا چه اندازه می تواند راهگشا باشد.

لذا مسؤولیت آنانی که از این مصیبت عظیم و رنج جانکاه آگاهند، نسبت به نهادهای قوی و نیرومندی که برنامه ریزی درستی را در راستای رفع این نا به سامانی ها روی دست ندارند چندین برابر شده است و بر اهل فکر و اندیشه و قلم و صاحب نظران لازم است تا با جدیت بیشتر به این مهم بپردازند و راه های عبور از این تنگنای مخوف را بررسی کنند و خود را بیش از پیش در برابر این بحران مسؤول بدانند.

برای حال و آیندهٔ نا به سامان کشور خود دل بسوزانند و به مهم ترین و قوی ترین عامل نجات که رشد بینش و دانش مردم و خاصتاً نسل جوان است بیشتر اهمیت دهند و لازم است در هر راستا و زمینه یی که در توان دارند به تعلیم و تحصیل جوانان و به دین مدار بودن شان توجه جدی به خرچ دهند؛ زیرا هر قدر سطح میزان افراد خبره، متدین و آگاه بیشتر گردد، به همان میزان به صلاح و فلاح نزدیک تر می گردیم و پیوند مستقیمی میان این دو وجود دارد که البته عکس آن نیز دارای چنین رابطه یی است یعنی جهل و نا آگاهی برابر است با ادامهٔ بلاها و رشد آن ها.

به امید این که با کوشش ها و تلاش های دلسوزانهٔ اهل اندیشه و قلم و علمای روشن و پرهیزگار از مصیبت تهاجم فرهنگی یی که اکنون گرفتار آنیم رهایی یابیم و جوانان کشور را در راه کمال و رشد سوق دهیم.

از سوم حوت قیام مردم شهر کابل ...

از برکت همین جهاد مردم افغانستان شرق و غرب از شر کمونیزم رهایی یافت.

وی با اشاره به نشر کاریکاتورهای اهانت آمیز از سوی نشریه های دنمارکی و فرانسوی به پیامبر بزرگ اسلام ،گفت: کافران هیچگاه نمی خواهند مسلمانان زندگی آرام داشته باشند. بناءً با راه اندازی چنین جنایتی موجبات بروز هرج و مرج در کشورهای اسلامی را فراهم می سازند.

آقای احمدزی افزود: پیام من به نسل جوان و آیندهٔ کشور این است که دین اسلام را به صورت درست و واقعی آن مطالعه نمایند و از آن با نیرومندی تمام دفاع کنند.

پس از آن خانم یزدان پرست یک تن دیگر از سخنرانان گفت: شهر کابل همواره آماج هجوم استیلاگران و غارتگران بوده است و اشغال کشورما توسط نیروهای سرخ شوروی با همکاری زمامداران مزدور آن وقت، بزرگ ترین جنایت بر ملت افغانستان است ولی ملت ما با قیام های خونین و با نثار نمودن جان و مال شان نشان دادند که آنها آزاد هستند و بردگی را نمی پذیرند.

و در اثر چنین قیام ها و جان نثاری ها بود که همهٔ جهان از شر کمونیزم نجات یافت و کشورما آزاد گردید اما با دریغ و درد که پیکارگران ما آن ارزش هایی را که با باور عمیق به دست آورده بودند در نتیجهٔ مداخلات کشورهای همسایه و افزون خواهی و اقتدار طلبی برخی از فرماندهان جهادی در همان آغاز پیروزی از دست دادند و کشورما یک بار دیگر صحنه های خونین جنایت خارجی ها و مزدوران شان را در تاریخ خویش تجربه کرد ولی امروز که ما می خواهیم دارای کشوری با ثبات باشیم بازهم برخی از کشورها و افراد می خواهند تمام ارزش های ملی و دینی مان را به چالش بگیرند که بدون شک این کار به ثبات و امنیت کشور زیان مند است.

آقای امام الدین غوری رئیس شورای آزادگان طی سخنان گفت: ما از کمیسیون مستقل حقوق بشر می خواهیم جنایت کاران را از قهرمانان تفکیک نماید وآنان به محاکمه بکشاند.

او در سخنان خود به نمایندگی از شورای آزادگان به دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیشنهاد نمود تا جادهٔ پلچرخی را به نام جادهٔ آزادگان نام گذاری نماید.

مجلس با سخنان و دعائیهٔ دکترمحمد ایازیکی از علمای مشهور کشور پایان یافت.

از سوم حوت قیام مردم شهر کابل ...

و رئیس کمیسیون تحکیم صلح شب دوشنبه با استفاده از بلندگو با زندانیان صحبت کرد و وعده داد راه حلی برای مشکلات آنها جستجو می کند.

او به خبرنگاران گفت: برخی از تقاضاهای زندانیان معقول است و باید برآورده شود.

آقای مجددی گفت: زندانیان در گفتگو با او در کنار سایر خواست ها، عفو و رهایی تعدادی از زندانیان از بازداشتگاه پلچرخی را مطرح کرده اند.

مقامات دولتی می گویند که آنها انتقال غذا و آب آشامیدنی را به زندانیان پلچرخی از سر گرفته اند. اما گفتنی است که شورشیان حتی پس از دیدار هیأت دولتی، از شورش دست بردار نشده اند و در این میان یک تن کشته و سه تن دیگر مجروح گردیده اند.

در خشونت های زندان پلچرخی دست کم چهار زندانی به شمول دو شهروند پاکستان و تاجیکستان کشته و نزدیک به چهل تن دیگر زخمی شده اند.

بر اساس گزارش ها، زندانیان شورشی با چاقو، لوله های آهنی و شیشه های شکسته مسلح هستند ولی از احتمال وجود اسلحهٔ گرم در اختیار آنها گزارش نشده است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالي‌ترين آرزوهاي ملت

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۳۸ | چهارشنبه ۱۰ حوت ۱۳۸۴ | ۳۰ محرم الحرام ۱۴۲۶ — 29 February 2005

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

جاده یی که دوبار افتتاح شد!

محترم حامد کرزی در سفری به شمال کشور، ساختمان یک جاده از تالقان مرکز ولایت تخار به ولسوالی کشم در بدخشان را افتتاح فرمودند. فکر می کنم که جناب استاد شهرانی هم در زمان تصدی شان به عنوان معاون رئیس جمهور، یک بار این جاده را افتتاح کرده بودند. به هرحال وقتی که برنامهٔ دیگری برای نشان دادن یک کار عملی وجود نداشته باشد می توان یک جاده را دوبار افتتاح کرد. گر ضرورت بود روا باشد!

اما مسألهٔ مهم در سفر جناب آقای کرزی به تخار مشکلاتی بود که این تشریف فرمایی برای مردم این ولایت به میان آورد. در گذشته هیچگاه مردم این منطقه چنین اقدامات شدید را به خاطر نداشته اند و حتی خبر از جان باختن یک زن حامله به خاطر بسته بودن راه به گوش رسید.

یکی از بزرگان، داستانی را حکایت کرد که خالی از دلچسپی نیست. وی گفت؛ من به علت مریضی در منزل بستر بودم. جناب رئیس جمهور به من اطلاع دادند که می خواهند از من عیادت نمایند. من پذیرفتم و هنوز دوساعت به زمان تشریف فرمایی شان مانده بود که ناگهان از حویلی صدای فریاد نواسه هایم به گوش رسید. پرسیدم که چه خبر است؟ گفتند که بدون اخطار قبلی چند سگ غرض بازرسی به منزل آورده شده اند.

بازرسی آنان به پایان رسید و ده دقیقه بعد صدای داد و فریاد دیگری به گوش رسید. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند عده یی از سربازان خارجی (در آن زمان امنیت رئیس جمهور را خارجیان به عهده داشتند) روی بام همسایه ها بالا شده اند و این سروصدا از همسایه هاست.

سرانجام جناب رئیس جمهور تشریف آوردند و ضمن ابراز لطف پرسیدند انشاءالله خانه خیریت است؟ گفتم تا قبل از تلاشی های انسانی و حیوانی خیریت بود اما حالا خدا می داند!!

شرکت مخابراتی روشن ستارهء افغان است!

پروسهٔ ستارهٔ افغان را که از تلویزیون طلوع پخش می شود، تعقیب نکردم. زیرا با کمال شرمندگی باید اعتراف کنم از (سر) و (لی) و(تال) هیچ نمی فهمم و چنین برنامه هایی برایم خسته کن است. اما نمی دانم که چرا چند روز قبل در تلفن خود پیامی دریافت نمودم که از من به خاطر دادن رأی تشکر شده بود. به نظرم رسید در این جا هم تقلب شمارش رأی از نوع رأی شماری انتخابات پارلمانی در جریان است.

تشکر از رأی نداده، مرا تشویق کرد تا ببینم که در این برنامه چه خبر است. تعقیب یک برنامه کافی بود که بدانم در این جا هم اصل کار به دست موسیقی ندانانی از قماش من است و موسیقی دانان برای دیکور صحنه دعوت شده اند.

در این جا مردم نه بر اساس هنر بلکه بر بنیاد تعلقات سمتی و قومی رأی می دهند و نامش را هنر دوستی می گذارند. شرکت روشن صدها هزار دلار از بابت دادن رأی از طریق پیام های تلفنی به جیب می زند و به ریش هرچه هنرمند و بی هنر در این کشور است می خندد. هنرمند اصلی شرکت روشن است که ملت را این گونه در خدمت منافع خود به کار گرفته است! من رأی خود برای انتخاب ستارهٔ افغان را به روشن می دهم!

نیویورک تایمز:

زندان‌های آمریکا در افغانستان گسترش یافته است

به نوشتهٔ روزنامهٔ نیویورک تایمز، وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، در حالی اقدام به گسترش زندان‌های افغانستان کرده که در حال حاضر صدها تن به صورت غیر قانونی و بدون تفهیم اتهام در این زندان‌ها بازداشت هستند .

این روزنامه در ادامهٔ گزارش خود آورده است: در حال حاضر نزدیک به ۵۰۰ زندانی به اتهام دست داشتن در عملیات‌های تروریستی و حملات علیه نیروهای بین‌المللی در افغانستان و دولتی، در زندان‌های آمریکا بازداشت هستند.

نیویورک تایمز با اشاره به شرایط سخت و دشوار زندانیان در این زندان‌ها و شباهت آنها به زندان گوانتانامو نوشته است: به مسؤولان وزارت دفاع آمریکا مجوز داده شده تا از این زندان‌ها به عنوان بهترین جایگزین برای زندان گوانتانامو در صورت افزایش اعمال فشارهای بین‌المللی برای بستن آن استفاده شود.

به نوشتهٔ نیویورک تایمز، این زندان‌ها وضعیتی دشوارتر از گوانتانامو دارند و زندانیان در قفس‌های آهنی نگهداری می‌شوند و در شرایط سخت و دشوار به سرمی برند و با آنها مثل حیوانات در باغ وحش‌ها رفتار می‌شود .



بر اساس این گزارش، زندانیان زندان‌های افغانستان از نور خورشید محروم هستند و تنها زمانی می‌توانند نور خورشید را ببینند که همراه نگهبانان از سلول‌های شان خارج می‌شوند .

نیویورک تایمز همچنین نوشته است: عدم نظارت بر وضعیت این زندان‌ها بدترین امر ممکن است. بازدیدهای احتمالی که ممکن است اعضای کنگره و یا خبرنگاران، تحت نظارت پنتاگون، از گوانتانامو انجام دهند هیچگاه در مورد زندان‌های افغانستان صدق نمی‌کند چرا که پنتاگون به صورت کاملا محرمانه اقدام به توسعهٔ آنها کرده است .

این روزنامه به نقل از مقامات وزارت دفاع و مسؤولان دولتی آمریکا نوشته است: ازدحام در زندان بگرام و افزایش تعداد زندانیان آن، مسؤولان وزارت دفاع را به این امر واداشته که زندان‌های افغانستان را گسترش دهند .

بر اساس این گزارش تعداد زندانیان زندان بگرام از ۱۰۰ زندانی در سال ۲۰۰۴ به ۶۰۰ زندانی در اواخر سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است .

مجامع بین‌المللی و اسلامی خواستار احترام به ادیان مختلف شدند

نشست سران عالی رتبهٔ سازمان‌های بین‌المللی، اسلامی و چند کشور جهان در دوحه، احترام به اصول دینی ادیان مختلف را خواستار شد.

این نشست با حضور کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد، عمرو موسی دبیر کل اتحادیهٔ عرب، اکمل الدین احسان اوغلو دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی و وزرای امور خارجهٔ قطر، ترکیه، اسپانیا و اتریش که ریاست دوره‌یی اتحادیهٔ اروپا را نیز برعهده دارد، در دو حه پایتخت قطر برگزار شد.

شرکت‌کنندگان این نشست در بیانیهٔ پایانی خود بر ضرورت ایجاد یک استراتژی مشترک جهت جلوگیری از تکرار مجدد اقداماتی همچون نشر تصاویر موهن از پیامبر اکرم (ص) تأکید کردند.

این بیانیه ضمن تأکید بر حق کشورهای جهان در آزادی بیان و اندیشه، آورده است که این حق باید با در نظر گرفتن احساس مسؤولیت و پرهیز از ایجاد کینه، خشونت و اهانت به اعتقادات دینی همراه باشد .

شرکت‌کنندگان در نشست دوحه همچنین از تمامی رهبران دینی و غیر دینی جهان خواستند تا از نفوذ خود جهت پایان دادن به فضای تشنج و خشونت‌آمیز کنونی استفاده کنند؛ زیرا این اقدامات موافق با ارزش‌های جهانی نیست .

در بیانیهٔ پایانی نشست دوحه، بر حمایت کامل از حقوق بشر و ایمان به حقوق ملت‌ها تأکید شده و آمده است که این حق باید با احساس مسؤولیت و به دور از نفاق بین کشورهای جهان اعمال شود.

یک مجلهٔ مصری از توطئهٔ مشترک آمریکا - اسرائیل برای ترور خالد مشعل پرده برداشت

مجلهٔ "رادیو و تلویزیون مصر" از توطئهٔ مشترک آمریکا و اسرائیل برای ترور خالد مشعل پرده برداشت.

توطئهٔ ترور خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، در پایتخت یکی از کشورهای عربی که نامش فاش نشده است، برنامه‌ریزی شده و در آن کارشناسانی از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی موساد و شاباک حضور داشته‌اند.

این مجلهٔ مصری ادامه داد: در این نشست اعضای سازمان اطلاعات و سازمان امنیت فلسطین، سازمان اطلاعات کشور عربی میزبان و محمد دحلان وزیر امور شهری تشکیلات خودگردان نیز حضور داشته‌اند.

براساس این گزارش که از سوی یکی از روزنامه‌نگاران نزدیک به حماس نوشته شده، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان از این توطئه اطلاعی ندارد و تنها به او گفته شده است که این نشست در چارچوب نشست‌های کمیتهٔ مشترک امنیتی طرفین فلسطینی و اسرائیلی است.

به نوشتهٔ این مجله، نشست مذکور چند روز قبل از برگزاری انتخابات قانونگذاری فلسطین و به مدت سه روز انجام شد و در آن نقاط ضعف و قوت حماس مورد بررسی قرار گرفت .

این نشست همچنین خالد مشعل را یکی از نقاط قوت این جنبش دانست .

براساس این گزارش، به رغم ضربات محکمی که رژیم صهیونیستی به پیکرهٔ این جنبش وارد آورده است، مشعل موفق شد تا حماس را تقویت کرده و موجب یکپارچگی آن شود که این امر موجبات توافق حاضران نشست برای ترور وی را فراهم کرد .

به نوشتهٔ این مجله، براساس این گزارش گام بعدی که حاضران در این نشست دربارهٔ آن به توافق رسیدند، متوقف کردن حمایت‌های مالی به حماس به ویژه حمایت‌های مالی ارسالی از سوی ایران و همچنین متوقف کردن حمایت‌های معنوی از این جنبش بود .

این مجلهٔ مصری در ادامه خاطرنشان کرد که این اطلاعات از سوی یکی از افسران حاضر در این نشست فاش شده است .

این افسر که از ترس جانش از بیان نام خود خودداری کرد، اظهار داشت: بلافاصله پس از پایان این نشست اطلاعات مربوطه را در اختیار رهبران حماس قرار داد که به این ترتیب آنها تدابیر امنیتی را اتخاذ کردند .